در این قسمت قصد داریم انواع ریسک‌هایی را که یک سرمایه‌گذار در خرید سهام شرکت‌هاو سرمایه‌گذاری در بورس با آن مواجـه است، معرفی کنیـم.



ریسک در یک طبقه‌بندی کلـی، به دو دسته تقسیم می‌شود، ۱- ریسک قابل اجتناب و ۲- ریسک غیرقابل اجتناب

۱-ریسک قابل اجتناب:ریسکی که می‌توان با استفاده از برخـی روش‌ها، از آن اجتناب کرد. به این دسته از ریسک‌ها، ریسک‌های قابل اجتناب یا غیرسیستماتیک می‌گویند. ریسک‌های قابل اجتناب یا غیرسیستماتیک اغلب ناشی از خصوصیات خاص شرکت هستند. برای مثال، فرض کنید شما سهام شرکتی را خریداری کرده‌اید. اگر مدیریت شرکت ضعیف باشد، سهامداران شرکت درست عمل نکنند، یا شرکت در رقابت با سایر رقبا، موفقیتی بدست نیاورد و یا احیانا به علت قدیمی‌شدن محصولات تولیـدی آن شرکت، مشتریان شرکت به تدریج کم و فروش آن کاهش یابد، همه این موارد نمونه‌هایی از ریسک قابل اجتناب هستند. ریسک غیرسیستماتیک، اغلب منشأ درونی دارد و علت بروز آن، به داخل شرکت مربوط است. با توجه به اینکه این نوع ریسک را می‌توان با به کارگیری برخی روش‌ها، به حداقل ممکـن رساند، از آن به ریسک قابل اجتناب یاد می‌شود.

. -۲ریسک غیرقابل اجتناب:دسته دوم ریسک‌هایـی که سرمایه‌گذاران با آن مواجه‌اند، ریسک‌هایی هستند که کنتـرل آن در اختیار سرمایه‌گذار نیست. به این گروه از ریسک‌ها، ریسک غیرقابل اجتناب یا ریسک سیستماتیک می‌گویند. مواردی مثل تغییر نرخ تورم، سیاست‌های کلان اقتصـادی، شرایط سیـاسی و...، مـواردی هستنـد که کنترل آنهـا از اختیار سرمایه‌گذار خـارج است. برای مثـال، تغییر در سیاست‌های کـلان اقتصادی و افزایش یا کاهش نرخ ارز و یا نرخ تورم، می‌تواند به طور مستقیم در وضعیت درآمد، هزینه و میزان سودآوری شرکت‌ها تأثیرگذاشتـه و طبیعتـا ارزش سهام آنها را تحت تأثیـر قرار دهد. اینگونـه ریسک‌ها را ریسک‌های سیستماتیک یا غیرقابل اجتناب می‌گوینـد، چون کنترل آنها از اختیـار

سرمایه‌گذار خـارج است.

.

اما چگونه می‌توان ریسک قابل اجتناب را به حداقل ممکن رساند؟ به این ضرب‌المثل مشهور دقت کنید: "همه تخم‌مرغ‌ها را در یک سبـد قرار ندهید". اگر از شما بپرسند منطق این ضرب‌المثل چیست، همه شما خواهید گفت با این کار، ریسک ما کاهش می‌یابد؛ چون اگر یکی از سبدهای تخم‌مرغ به زمین افتاد و تخم‌مرغ‌های آن شکست، سبدها و تخم‌مرغ‌های دیگر همچنان سالم است.

.

در مباحث مرتبط با بورس هم تئوری بسیار معروفی به نام "تئوری سبد" وجود دارد که برپایه همین ضرب‌المثل شکل گرفته است. براساس این تئوری، سرمایه‌گذار می‌تواند با متنوع‌کردن سبد سرمایه‌گذاری خود و انتخاب دارایی‌های بسیار متنـوع، به جای یک یا چند دارایی محدود، ریسک‌های قابل اجتناب را در سرمایه‌گذاری خود به حداقل ممکن برساند. بنابراین، هراندازه سبد سرمایه‌گذاری متنوع‌تر باشد، ریسک سرمایه‌گذاری کمتـر خواهد شد.

.

بر پایه تئوری سبد، متخصصان بازار سرمایه توصیه می‌کنند به جای آنکه فرد یک یا چند سهم از شرکت‌های محدودی را خریداری کند، سهام شرکت‌های متنوع از صنایع مختلف را خریداری کند و حتی در سبد سرمایه‌گذاری خود، اوراق بهادار بدون ریسک مثل اوراق مشارکت و... هم داشته باشد.

.

اما مجددا این نکته را یادآور می‌شویم که با متنوع‌سـازی سبد سرمایه‌گذاری، تنها می‌توان حذف ریسک‌های قابل‌اجتناب (غیرسیستماتیک) را به حداقل رساند و حذف ریسک‌های غیرقابل اجتناب (سیستماتیک) از کنتـرل و اختیار سرمایـه‌گذار خارج است. البته با حذف یا کاهش ریسک‌های قابل اجتناب، عملا بخش عمده‌ای از ریسک‌هایی که سرمایه‌گذار با آن مواجـه است، کاهش می‌یابد.

اما در سرمایه گذاری،7 نوع ریسک عمده وجود دارد که در زیر به آنها اشاره میکنیم.

۱- ریسک نرخ سـود: فرض کنید شما قصد دارید بین خرید اوراق مشارکت با نرخ سود ثابت ۲۰ درصد و خرید سهام با بازده مورد انتظار ۳۰ درصد، یک گزینه را انتخاب کنید. اگـر تمایل به پذیرش ریسک داشته باشید، احتمالا سهام را انتخاب می‌کنید، چون انتظار دارید بازدهی بیشتری نصیب شما کند. حال فرض کنیـد بانک مرکزی تصمیم بگیرد نرخ سود اوراق مشارکت را از ۲۰ درصد به ۳۰ درصد افزایش دهد. در این صورت، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ درحالیکه شما با پذیرش ریسک و خرید سهام، انتظار دارید ۳۰ درصد بازدهی بدست آورید، فرد دیگری بدون آنکه ریسکی متحمل شود، می‌تواند اقدام به خرید اوراق مشارکت جدید نماید و همان ۳۰ درصد بازدهی را، البته به صورت تضمین شده بدست آورد. در این حالت، شما در واقع با ریسک جدیدی مواجه خواهید شد که از آن، به ریسک نرخ سود تعبیر می‌شود.

.

۲- ریسک تورم: فرض کنید نـرخ تورم سالیانه، ۱۵ درصد است و شما سهامی را خریداری کرده‌اید که انتظار دارید در پایان سال، حداقل ۴۰ درصد بازدهی برای شما داشته باشد. با توجه به این میزان نرخ تورم، بازدهی ۴۰ درصدی برای شما مطلوبیت دارد، چون حداقل ۲۵ درصد بیشتر از نرخ تورم است. حال اگر به هر دلیلی، نرخ تورم سالیانه از ۱۵ درصد به ۳۰ درصد افزایش یابد، طبیعتا ممکن است دیگر بازدهی ۴۰ درصدی، آنهم برای یک سرمایه‌گذاری دارای ریسک مثل خرید سهام برای شما مطلوب نباشد، چون حتی به فرض کسب ۴۰ درصد بازدهی از سهام، قیمت‌ها آنقدر افزایش یافته است که دیگر این میزان بازدهی، آنهم برای یک سرمایه‌گذاری دارای ریسک چندان جذاب نیست. به ریسک ناشی از افزایش نرخ تورم، ریسک تورم گفته می‌شود.

.

۳- ریسک مالی :اگر شرکتی که سهام آن را خریداری می‌کنید، حجم زیادی وام از بانک دریافت کرده باشد، طبیعتا باید اصل و سود وام دریافتی را در یک دوره مشخص به بانک پرداخت کند، بنابراین با تعهدات زیادی مواجه خواهد بود. هر اندازه این تعهدات بیشتر باشد، ریسک مالی شرکت بیشتر خواهد بـود و بنابراین سهامداران چنین شرکتی نیز در معرض ریسک بالاتری قرار دارند.

.

۴- ریسک نقدشوندگی: همانطور که قبلا گفتیم، یکی از ویژگی‌های مهم یک دارایی خوب، این است که به سرعت به پول نقد تبدیل شود. فرض کنید سال گذشته، سهام شرکتی را خریداری کرده‌اید و حالا به پول نیاز دارید، اما به‌علت عملکرد نامناسب شرکت، این سهم در بورس خریداری- که به سرعت آن را بخرد- نداشته باشد؛ در این صورت، شما با ریسکی به نام ریسک نقدشوندگی مواجه خواهید شد.البته در اغلب اوقات، شما می‌توانید با قیمتِ اندکی پایین‌تر سهام خود را بفروشید ولی ممکن است این موضوع مطلوب شما نباشد.

.

۵- ریسک نرخ ارز: نرخ ارز یکی از مسائلی است که به صورت مستقیم بر وضعیت و سودآوری شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. برای مثال، فرض کنید شرکتی که سهام آن را خریداری کرده‌اید، بخش عمده‌ای از مواد اولیه موردنیاز خود برای تولید را از خارج کشور خریداری می‌کند. وقتی نرخ ارز افزایش پیدا می‌کند، شرکت باید هزینه بیشتری برای واردات مواد اولیه بپردازد و طبیعتا با افزایش هزینه‌های شرکت، میزان سودآوری شرکت و به دنبال آن، قیمت سهام آن کاهش خواهد یافت. بنابراین، نوسانات نرخ ارز به‌عنوان یکی از ریسک‌های سرمایه‌گذاری، مورد توجه سرمایه‌گذاران است.

.

۶- ریسک سیاسی: عدم ثبات در اوضاع سیاسی -که به مسائل اقتصادی کشور آسیب بزند- به طور مستقیم بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی فعال در آن کشور تأثیر می‌گذارد. هر اندازه بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در یک کشور افزایش یابد، عملکرد بنگاه‌های اقتصادی بیشتر با مشکل مواجه خواهد شد و این مشکل، افت قیمت سهام آن‌ها را درپی دارد. به این ریسک، ریسک سیاسی یا اصطلاحا ریسک کشور می‌گویند.

.

۷- ریسک تجاری: تصور کنید سهام یک شرکت خودروسازی داخلی را خریداری کرده‌اید. تا پیش از این، دولت تعرفه واردات بسیار بالایی برای خودروهای خارجی وضع کرده بود، به نحوی که برای مثال، خودرویی که در خارج از کشور ۱۰ هزار دلار ارزش دارد، در داخل با قیمتی بالغ بر ۴۰ میلیون تومان به فروش می‌رسد. در چنین شرایطی، خودروهای داخلی به علت قیمت پایین آنها مشتریان زیادی دارد و بنابراین، میزان فروش و سودآوری خودروسازان داخلی قابل قبول است. حال فرض کنید دولت تعرفه واردات خودرو را تا حد زیادی کاهش دهد؟ چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ طبیعتا قیمت خودروهای خارجی به

قیمت خودروهای داخلی نزدیک‌تر می‌شود، بنابراین قدرت انتخاب مشتریان افزایش می‌یابد و در چنین شرایطی، ممکن است گروهی از مشتریان، خودروهای خارجی را ترجیح دهند. بنابراین، میزان فروش و سود صنعت خودروسازی کاهش خواهد یافت. به این ریسک که در واقع، به یک صنعت خاص ارتباط پیدا می‌کند، ریسک تجاری می‌گوینـد.

.